

## خاطره بازی

## خاطرات کلاس درس ر رئیس ساز مان نهضت سوادآموزی

**حیدرزاده-** از آن جایی که معلم، منبع تولید ارزش های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای جامعه است پس جامعه هم موظف است به معلم توجه و جایگاهش و عزتش را تکریم کند. البته تکریم معلم در روز و هفته معلم انجام می شود اما نباید به آن ختم شود.رئیس سازمان نهضت سوادآموزی کشور با بیان این مطلب در گفت و گو با خبرنگار ما گفت: نگاه به معلم از حیث نقش و تاثیر او در شکوفایی استعدادهای فطری و الهی انسان مورد غفلت قرار گرفته است.«علی باقرزاده» که ۲۷ سال سابقه خدمت دارد، با بیان این که پیامبران مبعوث شدند تا در مسیر تعقل به انسان کمک کنند افزود: جمله «من ستایشگر معلمی هستم که اندیشیدن را یاد می دهد نه اندیشه را» که به شهید مطهری منسوب است نشان می دهد این اندیشیدن خیلی مهم است. وی با مرور خاطرات دوران دانش آموزی خود اظهارداشت: معلم کلاس اول ابتدایی من آقای «پهودی» مردی مهربان بود که شوق و انگیزه ما را تقویت کرد.

وی ادامه داد: با توجه به این که دانش آموزان پایه پنجم خیلی بزرگ تر از ما بودند و برخی از آن ها جثه بزرگی داشتند، این معلم آرامش خوبی به ما داد و با رفتار بسیار مهربان خود مدرسه را برای ما به محیطی امن تبدیل کرد.وی خاطرنشان کرد: در دوره ابتدایی یک معلم فوق برنامه داشتیم. او ابتدای سال یک ضرب المثل گفت و هر بار که می آمد سر کلاس آن را پای تخته می نوشت: «در خانه اگر کس است یک حرف بس است». می گفت که اگر کسی چراغ عقلش روشن و قوه تفکرش فعال است اگر یک حرف و یک جمله درست به او بگویی برای هدایتش کافی است. وی افزود: آن زمان معنی این جمله را خیلی متوجه نمی شدیم اما معلم ما انگشت سیاه اش را روی سر تک دانش آموزان می گذاشت و می گفت: در خانه کس است و ما می گفتیم: بله کس است.وی گفت: ظاهر امر برای ما خنده دار بود اما بعدها متوجه شد تمام تلاش این معلم اندیشمند این بود که ما را به اصل خودمان و تعقل، اندیشیدن، خردورزی و تفکر و جدوی مان برساند و بر گرداند.

## سفر به روزهای مدرسه بازنشسته ۹۰ ساله

«رجبعلی حجتی» متولد ۱۳۰۶ شمسی از مسن ترین بازنستگان فرهنگی استان است که به گفته خود ۲۲ سال در مدارس استان مشغول به خدمت بوده است. به اندازه عمر مدیریتش در مدرسه دهقان خاطره دارد اما خاطر اتش از دوران کودکی و دانش آموزی اش لذتی دیگر دارد. وی با بیان این که روزگاری را در مکتب شیخ دارا به آموزش گذرانده است، گفت: شیخ دارا معلمی مهربان و دلسوز بود و همیشه مانندپدري مهربان در کنار دانش آموزان بود.

مهم ترین خاطره اش از دوران مکتبش از همان چوب دستی های بلند قدیمی است که موقع شیطنت بچه ها برای تنبیه به سمتشان دراز می شد.او از این که دانش آموز آرام و محجوبی بوده و هیچ گاه کارش به فلک کشیده نشده گفت و از گفتن این نکته هم غافل نماند که شیخ دارا مدتی است به دیار باقی شتافته است و فرزندان شیخ راه پدر را ادامه داده و الان اساتید دانشگاه هستند. صدایش بین خاطراتش محو می شود گویا تمام گذشته را در ذهنش تکرار و زنده می کند، تن صدایش هم با خاطراتش عوض می شود، گاهی ناراحتی و گاهی هم خنده از صدایش احساس و شنیده می شود.«حجتی» این فرهنگی بازنشسته که به گفته خود هر سال ۴۰ تا ۵۰ تا دانش آموز داشته است و با احتساب ۲۲ سال خدمتش تعداد زیادی دانش آموز در مدرسه «دهقان» داشته، ادامه داد: یک روز مدیر مدرسه ای که سال های ابتدایی در آن درس می خواندم در نبود معلم به کلاس آمد من و به خاطر شیطنت همه دانش آموزان را تنبیه کرد و بچه های کلاس گریه کردند. وی ادامه داد: پس از رفتن مدیر مدرسه من شروع به روضه خوانی در کلاس کردم بی خبر از این که مدیر پشت در ایستاده و روضه خوانی من را می شنود.وی افزود: رنگ تفریح مدیر مدرسه خدمتگزار مدرسه را خبر کرد و از او خواست که تر که ای از درخت البالو جدا کند و برای مدیر ببرد. او ادامه می دهد: آن روز چنان تنبیهی شدم که هیچ گاه فراموش نمی کنم، دستانم ورم کرد به خانه که رفتم روی دستانم «ضمه و پمته» گذاشتم و با بازچسبته.روز بعد با همان دستان بسته به مدرسه رفتم و چیزی به مدیر نگفتم و همین ماجرا موجب شد که رابطه صمیمی بین من و مدیر ایجاد شود.وی از تفاوت معلمان قدیم و کنونی گفت و افزود: آقای «گره ای» در تمام دوران ابتدایی معلم من بود که او هم به محرم شده است اما خاطراتش همیشه ماندگار است.

های اصلی شهر مدرسی وجود دارند که دانش آموزان آن ها گرسنه سر بر بالین می گذارند و شاید از شدت گرسنگی خواب به چشمانشان نمی آید و این معلمان و مدیران این مدارس هستند که با جسم و جان خود می بینند و حس می کنند و خدا را صد هزار مرتبه شکر که در کم می کنند و دستی برای کمک دراز می کنند.

یکی دیگر از مدارس شهر که خیلی دور نیست و موقعیت مکانیش شگفت زده دات می کند اگر بشنوی که کجای این شهر قرار دارد و از درد نداری به خود می پیچد از جمله مدرسه های است که معلمانش تنها الفبا یاد نمی دهند از تصمیمات کبری و خانواده های خوشبخت کتاب ها سخن نمی گویند، آن ها هم همت کرده اند و با پیدا کردن خیران کمی زندگی را برای دانش آموزان آسان تر کرده اند.

۱۸ معلم مهربان که همت کرده اند و برای درمان درد دانش آموزان خود از هیچ کمکی دریغ نمی کنند.«یاسمینی مقدم» مدیر این مدرسه با بیان این که ۱۲ سال مدیر مدارس استان بوده ام، می گوید: ارتباطی بین معلم و دانش آموز وجود دارد که تا معلم نباشی آن را در ک نمی کنی باید در این جایگاه قرار بگیری تا روح ت با دانش آموزت یکی شود و پیوندی ناگسستنی ایجاد شود.

وی با بیان این که معلمان پدران و مادران دوم دانش آموزان هستند، ادامه می دهد: معلمان این مدرسه با خیرانی که می شناسند ارتباط برقرار می کنند و به شکل نقدی و غیر نقدی به دانش آموزان مدرسه کمک می کنند.وی با بیان این که این مدرسه ۳۰۰ دانش آموز دارد، اظهار می دارد: نمی شود که معلم بود و درد دانش آموزان را حس نکرد. وقتی معلم بداند که دانش آموز رنج دارد نمی تواند از آن بگذرد. وی می افزاید: بیشتر دانش آموزان حاشیه شهر بی سرپرست و بدسرپرست هستند، معلمان این مدرسه آن ها را شناسایی و با آن ها ارتباط بر قرار می کنند تا حمایت های لازم انجام شود.

وی تمام دوران فعالیت در مدارس حاشیه شهر را بر از خاطرات تلخ و شیرین عنوان می کند. از مدارس حاشیه شهر و معلمان و مدیران این مدارس که بگذری باید از «مقداد باقرزاده» معلم به معرفت شیروانی استان یاد کنیم که در یکی از مدارس دور افتاده استان روستای «آیر قایه» مشغول به خدمت بود. او روزهای شبی سه و نیم صبح از شیروان حرکت می کرد تا به کلاس درس برسد.

استان او و دانش آموزانش را بسیاری می دانند؛ معلمی دلسوز که به دلیل علاقه دانش آموزان مدرسه نامه ای برای «مهرماه شریفی نیا» بازیگر سریال کیمیا نوشت و با ادامه ماجرا دانش آموزان مدرسه «حکمت» معروف شدند. معلمی که روزی دانش آموزان کلاش را با شجاعت از سیل عبور داد و برای آن ها در حد توانش تلاش کرد.

کم نیستند این حماسه آفرینان صحنه آموزش و پرورش که نه تنها علما بلکه به انسان ها ادیمت و عشق می آموزند. روز معلم مبارکشان باد.

دانش آموز داشتیم که ۱۳۰ نفر از آن ها به شکل ویژه زندگی می کردند، اظهار می دارد: معلمان و مدیریت مدرسه تمام دانش آموزان را زیر چتر حمایت خیر خواهانه خود قرار دادند و مدارس اطراف را هم حمایت می کردند.وی از تحت پوشش قرار دادن تمام دانش آموزان این مدرسه محروم سخن می گوید و ادامه می دهد: سال گذشته با حمایت معلمان حلقه ارتباط با خیران برقرار شد و خبری از استان اصفهان بیمه درمان تمام ۱۵۶ دانش آموز را انجام داد و تمام هزینه های درمان و داروی آن ها از این محل پرداخت شد. خاطراتش دلت را به درد می آورد. خاطره اش از دوران خدمتش را این چنین بازگو می کند: یک روز در حال قدم زدن در حیاط مدرسه بودم با صحنه ای مواجه شدم که بسیار تکان دهنده بود، یکی از دانش آموزان تکه ای نان خشک در دست داشت و با مداد قرمز آن را قرمز می کرد.

وی ادامه می دهد: وقتی علت این کار را جویا شدم، دانش آموز از گرسنه بودنش سخن گفت و از این که با دیدن نان و رب دست دیگر دانش آموزان هوس خوردن نان و رب کرده است و از آن جایی که در خانه آن ها نه نان پیدا می شود و نه رب، در حال رنگ کردن یک تکه نان خشک است.

این صحنه چنان لرز به تنش انداخته که فکر چاره کرده است و در نهایت با حمایت دیگر معلمان و خیران این مدرسه توانسته هر هفته یک بار غذای گرم به همه دانش آموزان مدرسه بدهد. خاطرات شیرین خدمتش در سال های گذشته هم در همین مدرسه حاشیه شهر شکل گرفته است، ماجرای دانش آموز محرومی که نفر اول مسابقات دوومیدانی شد. شیرین ترین خاطره اش را این گونه بازگو می کند، دانش آموزی داشتیم که کلاس پنجم ابتدایی بود، پس از مدتی دیگر به مدرسه نیامد و خبری هم از او نبود، این دانش آموز به دلیل این که مادرش در زندان بود به تنهایی با برادرش زندگی می کرد.وی ادامه می دهد: پس از جستجوی بسیار دریافتم که او برای تأمین مخارج زندگی اش در یکی از خیابان های شهر دستفروشی می کند

و به دلیل خجالت، حتی محل زندگی خودش را هم عوض کرده و به یکی از روستاهای حاشیه شهر نقل مکان کرده است.«انتظاری» می افزاید: یک روز پس از یافتن مکان زندگی اش سر زده با آنجا رفتم، در شرایط وخیم و اسفناکی زندگی می کرد در حد توانم مواد غذایی و پوشاک برایش تأمین کردم و بالاخره او را به مدرسه بازگرداندم، اما او همچنان در شهر دستفروشی می کرد و شب ها با شتاب تمام مسیر شهر تا روستا را می دوید.

وی ادامه می دهد: با معلم ورزش مدرسه صحبت و استعداد و توانایی ورزشی این دانش آموز را بازگو کردم در نهایت در مسابقات دو و میدانی شرکت و نفر اول این مسابقات شد.

کم نیستند معلمانی که مشق عشق می نویسند، شاید حتی باور برای برخی ها سخت باشد که در همین نزدیکی ها چند خیابان آن سوتر از خیابان

## افشره

عشق، درس از خود گذشتگی و انسانیت می آموزند ، هر جا باشند حتی در دشوارترین شرایط نور می دهند و روزنه امید هستند ، برخی از آن ها دست یاری گری دارند و نمی توانند شاهد رنج دانش آموزانشان باشند و همین هم دلیلی شده برای این که در کنار شغل شریف معلمی، خیر هم باشند .



ماجرای یک روز تعقیب و گریز معلم و دانش آموز

## اشک «شیرین»!!

## زهره اسدی

و صعب العبور را طی کرده است، از دستمز د خود گذشته و برای دانش آموزان هزینه کرده است. در این روزگار که گاهی همسایه از همسایه خبر ندارد و برخی ها از کنار نیازمندان به راحتی می گذرند هستند معلمانی که دیگر گونه به حمایت از دانش آموزان می پردازند.«انتظاری» یکی از معلمان و مدیران یکی از مدارس حاشیه شهر استان است، که به گفته خودش ۷ سال مدیریت مدارس محروم استان را بر دوش داشته است مسائلی را با چشم دیده است که قابل گفتن نیست، تمام خاطراتش، تمام یاد آوری های تلخ و شیرینش از دانش آموزان محروم مدرسه اش بی درنگ اشک را به چشم ها می دواند و اشک مجالت نمی دهد.

او از رابطه کار خیر و معلمی می گوید، رابطه ای ناگسستنی که ارتباطی قوی بین این دو موضوع ایجاد کرده است، وی می افزاید: معلمی یک خبریه است و از کار خیر جدا نیست، اکثر معلم هایی که در مناطق ویژه و محروم خدمت می کنند، محرومیت را لمس می کنند و چون ارتباط مستقیمی با دانش آموزان محروم دارند بدون استثنا به آن ها کمک می کنند.وی با بیان این که سال گذشته ۱۵۶

کلاس درس، مدرسه و حتی کتاب ها به مرور زمان دستخوش تغییرات شده اند، تخته های سیاه و گچ های رنگی و صدای قیژ قیژ نیمکت های چوبی و مشق هایی که در دفترهای کاهی نوشته می شد همه رنگ عوض کرده اند و جای خود را به تخته های هوشمند و نیمکت های فلزی رنگی و دفتر های فلزی با جلد های گلاره و زیبا داده اند، همه چیز در گذر از تونل زمان متحول شده است. در این گذر پر تغییر که هیچ چیز ثابت نمانده است تنها یک نفر از گذشته های دور همان بوده و امروز نیز با اندکی تغییر همان است و رسالتش هم بی تغییر ماهیت خود را حفظ کرده است، می گویند رسول است رسول راستی، درستی و سفیر صداقت و سرفرازی است، آب حیات در دست دارد برای تشنگان معرفت و دانش و حرفه اش همان شغل انبیاست. تمام خاطرات مدرسه را که مرور کنیم جایی وجود ندارد که بدون حضور پر رنگ او باشد، انسانی مهربان که بسیار از خود گذشته است و بارها دیده شده که برای علم آموزی مسیر های ناهموار

## کارت پرسنلی

اینجانب رضا لنگری شاغل در فرودگاه بجنورد به شماره پرسنلی ۰۱۳۲۹/۰۰۲۲۳۰۰ مقفود و فاقد اعتبار است.

ب/۹۶۰۲۵۱۲۱

استخدام کارگر در کارخانه پلاستیک  
ب/۹۶۰۲۵۱۲۱  
۰۹۱۵ ۴۹۱ ۷۴۷۲

دانش نامه و ریز نمرات هادی علی پور کارشناسی رشته شیمی آلی از دانشگاه فردوسی مشهد و دانش نامه و ریز نمرات کارشناسی شیمی کاربردی از دانشگاه صنعتی اصفهان مفقود گردیده از درجه ساقط است.

ب/۹۶۰۲۵۰۶۱

دانشجویان ارجمند دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی خراسان شمالی می توانند پیام ها و مشکلات شان را از طریق شماره های ۰۵۸-۳۲۲۲۲۲۲۱۱ ۳۲۲۴۷۲۲۲

با ما در میان بگذارند .



هوزه و دانشگاه

دانش نامه و ریز نمرات کاردانی گل جهان علی پور رشته معماری دانشگاه شهید باهنر کرمان و دانش نامه و ریز نمرات کارشناسی رشته معماری دانشگاه تربیت معلم سبزوار و پاسپورت مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

ب/۹۶۰۲۵۰۲۳

دانش نامه و ریز نمرات کارشناسی ارشد افسانه علی پور رشته شیمی آلی از دانشگاه فردوسی مشهد و دانش نامه و ریز نمرات کارشناسی شیمی کاربردی از دانشگاه صنعتی اصفهان مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

ب/۹۶۰۲۵۰۵۱

ارتباط تلگرامی حرف مردم



۰۳۳۳۳۷۰۱۰

ستون حرف مردم خراسان

انعکاس دهنده صادق دید گاهها

انتقادات و مشکلات شماست.

ب/۹۶۰۲۵۵۶۵

قابل توجه

ارائه دهندگان خدمات مجالس ترحیم و بزرگداشت

\* تالارها \* گل فروشی ها \* حکاکان \* رستوران ها \* پارچه نویسان \* فیلمبرداران و عکاسان \* مراکز طبخ غذا \* تابلوسازان \* ظروف کرایه، ظروف یک بار مصرف

برای درج آگهی در صفحات روزنامه

با تخفیف ویژه با شماره های زیر تماس بگیرید:

۳۲۲۲۴۵۰۰۵ - ۳۲۲۱۲۷۶۰

ب/۹۶۰۲۵۵۷۰